

۸۶۹۹

## اقتدار سحرگاهان

کیهان / ۱۴ مرداد ۸۶

خلیل آقا خانی

در مقاله حاضر نویسنده با اشاره به تمایز زمانها و مکانها با یکدیگر به تشریح اهمیت و نقش ساعات پایانی شب در قرآن و آثار تهجد و شب زنده داری پرداخته است که از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد.

بی‌گمان زمان و مکان با همه یکسانی در پندار انسانی و به ویژه در اندیشه اهل حساب و نجوم، از ویژگی‌های متفاوتی برخوردار است که زمانی را از زمانی و مکانی را از مکانی جدا و تمایز می‌سازد. این بدان معنا نیست که این تمایز و تفاوت‌ها امری اعتباری و امور ذهنی همانند تمایزها و تفاوت‌های مقام و منصب باشد؛ بلکه تمایز واقعی و حقیقی است. زیرا برای یک زمان و یا یک مکان ویژگی و اختصاصات و آثاری است که برای زمان و یا مکان دیگر نیست. بنیاد این تمایز بر درستی و راستی نهاده شده است و ریشه در منبع حقانیت دارد.

اقتدار برای زمان و یا مکان خاص به معنای آثار ویژه‌ای است که برای آن مکان و یا زمان وجود دارد. در همه ادیان و مذاهب آسمانی و بشری، رگه‌هایی از این تفکر را می‌توان یافت. یهودیان برای دیوار حطه، اقتدار ویژه‌ای قایل هستند و مردمان اسکاتلند در جزیره بریتانیا برای ایستر و مسلمانان برای مکه و حجرالاسود و یا مقام ابراهیم ویژگی‌ای قایل هستند که برای مکان‌های دیگر قایل نیستند. درباره زمان نیز هر مذهب و شریعتی برای بخشی از زمان آثار و اقتداری قایل است که از آن میان می‌توان به روزها و یا ساعتی از شبانه روز اشاره کرد که در آن به عنوان جشن و لحظه‌ای خاص از عبادت اعتقاد و باوری شدید دارند. برخی برای زمان طلوع خورشید و کامل شدن ماه و حتی برای تمامی شب‌های مهتابی باورهای عجیبی دارند که داستان انسان گرگ نما در میان اندیشه‌های انگلستان در هنگام کامل شدن ماه یکی از آن هاست. در اندیشه مسیحی روز یک شنبه از چنین اقتداری برخوردار است و این معنا در فرهنگ یهودی روز شنبه و در اندیشه مسلمین روز جمعه است. ماه‌های دیدار و میقات موسی(ع) به عنوان چله در فرهنگ یهودی روزهای بسیار بالارزش و مبارکی است که روزه در آن واجب و یا مستحب است در فرهنگ اسلامی ماه‌های حرام از ویژگی خاص برخوردار است.

در همه مذاهب و ادیان آسمانی و یا زمینی درباره اقتدار بخشی از شبانه روز سخن گفته شده است. در پیش

اسلامی سحرگاهان از اقتدار خاصی برخوردار است.

در قرآن تاکید شده است که سحرگاهان از ویژگی استثنایی برخوردار می باشد. به تعییر قرآن، سحرگاهان زمان تهجد و شب زنده داری برای عبادت و پرستش است و اقتدار آن بدین خاطر است که میان زبان و دل هماهنگی و همراهی ایجاد می کند و کلام را استوار می گرداند. (مزمل آیه ۶) این به معنای پذیرش اقتدار برای برخی از زمان ها و یا بخشی از شبانه روز است که در زمان دیگر چنین اقتداری وجود ندارد و آثار و برکاتی برای آن متصور نیست. این مساله امری روشن است و هر کسی در زندگی خویش با این مساله رو به رو شده است که برخی از مکان ها برایش موجب آرامش روحی است و برخی دیگر از مکان ها وی را دچار تلاطم و تشویش می سازد. زمانی را برای خود زمان آرامش می یابد و به بیداری در آن زمان بیشتر روی خوش نشان می دهد و یا بیان می کند که در زمان خاصی بهتر درس را می فهمد و یا در جا و زمانی احساس ترس و نامنی می کند.

بنابراین اقتدار زمان و مکان مساله پذیرفته شده از سوی همگان است هرچند که در پذیرش آن شدت و ضعف وجود دارد.

### دولت سحری

چنان که گفته شد سحرگاهان در بینش قرآنی از اقتدار بسیار ویژه ای برخوردار است. البته از نگاه قرآن برای شب چنین اقتداری است و این اقتدار دزه‌نگامه سحر و نزدیک به طلوع فجر شدت می یابد و آثار خود را نشان می دهد. شب زمانی است که همگان خفته اند و از کوشش های روزانه نیز خبری نیست. هر انسانی در روز در پی کسب روزی، تلاش های سخت و پیگیرانه ای را انجام می دهد و در هنگام شب برای به دست آوردن آرامش جسمی و روحی به بستر می رود تا دمی بیاساید. آرامش ایجاد شده و تاریکی همراه با فقدان امکان ارتباط دیداری با دنیا و به ویژه جزئیات رنگارنگ آن موجب نمی شود تا زینت دنیا کم تر به چشم آید. این گونه است که با خاموشی و سکوت همگانی، ارتباط شنیداری با دنیا کم و یا بسیار کم می شود و تاریکی نیز کمک می کند تا ارتباط دیداری نیز محدود یا به اندازه ای بسیار پایین در حد صفر تنزل یابد. اگر این دو دریچه ارتباطی مهم بسته شود، دل به جای آن که به سوی دنیا و زینت ها و جزئیات آن کشیده و جلب شود به سوی کلیات بالا می رود. فقدان ارتباط

دقیق با جزئیات و رنگ‌ها و زینت‌ها آدمی را به سوی دیگری سوق می‌دهد و دل و قلب را با جهان دیگر مرتبط می‌سازد. این گونه است که به جای تفکر در جزئیات و امور پست دنیوی به اندیشیدن در امور کلی می‌پردازد. فلسفه این که این هستی و آن چه به طور کلی در برابر دیدگانش نمایان شده است، به چه منظور و هدفی آفریده شده است و آیا این همه را آفریده‌ای نیست و یا اگر هست به چه هدفی آفریده و اگر هدفی وجود دارد او چیست و در این بی‌کرانه هستی چه وظیفه و تکلیفی دارد؟ وی را وامی دارد که به فرزانگی و مباحث و مسایل آن متوجه شده و در پی چرایی و چگونگی آفرینش رود. پرسش‌های اساسی و بنیادین از کجا آمده ام و آمدمن بهر چه بود و به کجا خواهم رفت؟ نیازمند پاسخ‌های انتزاعی و دقیق است. این گونه است که شب او را به تفکر در کلیات به جای جزئیات و انسان را به جای پرداختن به زینت دنیوی و شناگری برای کسب روزی به سوی دیگری سوق می‌دهد و تفکر در کلیات و هدف آفرینش و وظیفه او، موجب می‌شود که سطح تفکر بالاتر رفته و پرسش‌ها و تلاش‌ها برای یافتن پاسخ، دقیق‌تر و به اصطلاح زبان قرآن سنگین و ثقلیل گردد. همین سنگینی پرسش‌ها و درخور تأمل بودن آنها است که افراد و اشخاص محدودی به این سمت و سوکشیده می‌شوند و اهل فرزانگی به شدت کاهش می‌یابد.

از آن جایی که در آغاز شب هنوز همه‌ها و رنگ‌ها خودنمایی می‌کند و تا میانه‌ها و اواسط شب ادامه می‌یابد، زمان از اقتدار کم تری برای تاثیرگذاری بر قلب و دل (عقل) برخوردار می‌باشد. هرچه شب می‌گذرد، آرامش بیشتری پدید می‌آید، به ویژه آن که در این مدت و با افزایش تاریکی و کاهش شدید امکانات دیداری و شنیداری، فرد، ارتباط بهتری با محیط جدید پیدا کرده و با آن مانوس می‌گردد، این مدت طولانی موجب می‌شود تا قوه اندیشه سمت و سوی استواری یافته و دل با آرامش و تمرکز بیشتر با مسایل رو به رو شود. این گونه است که در سحرگاهان ارتباط شخص با جهان جدید، جهان کلیات و جهان ماورای دنیای زیستی و فریبند و سرگرم کننده تشدید می‌شود و کلیات بالاتری در ذهن و دل فرد شکل می‌گیرد. هرچه شب به پایان حود نزدیک می‌شود، سطح تفکر شخص و ارتباط با جهان جدید افزایش می‌یابد و زمان، اثر و اقتدار قوی خود را به نمایش می‌گذارد. اکنون میان انسان و کلیات آن چنان هماهنگی و یگانگی ایجاد شده است که می‌توانند یکدیگر را درک کنند و تاثیر

بگذارند. جهان و کلیات از یک سو به عنوان مورد شناسایی و انسان به عنوان فاعل شناسایی به نوعی هماهنگی وحدت می رستند که پیش از آن امکان محقق نداشت.

خداآوند به عموم مومنان سفارش می کند که شب را برای تفکر در کلیات هستی بیدار بمانند و با اندیشه در جهان آفرینش و گردش ستارگان و شب و روز، خود را با جهان جدیدی که در هنگامه شب نمایان می شود و نسبتی با کلیات دارد، هماهنگ کنند. جهان جدیدی که بیشتر از آن که سیاه و ناشناخته باشد از درون همانند نوری روشنگر نمایان می شود و سطح جوهری شخص را به بالاترین درجات سوق می دهد. قرائت قرآن در شب به جهت امکان تامل در گزاره های معرفتی و شناختی آن موجب می شود که سطح بینشی فرد افزایش یابد و به مطالعه دست یابد که در روز به جهت فرار دل به سوی زینت دنیا (که امری طبیعی و فطری و غریزی است) امکان آن یا اصلا فراهم نیست و یا به سختی فراهم نمی شود.

قرآن برای این که شرایط تفکر در کلیات، در شخص تشدید شود اموری را سفارش می کند که همگی آن ها در این راستاست: سجده های طویل (آل عمران آیه ۱۱۳ و فرقان آیه ۶۴ و زمر آیه ۹ و انسان آیه ۲۶)، نگاه به آسمان و ستارگان و کهکشان های بی نهایت، نماز (آل عمران آیه ۱۱۳ و ق آیات ۳۹ و ۴۰)، ذکر (مزمل آیه ۲ و ۸)، استغفار (آل عمران آیه ۱۷ و ذاریات آیه ۱۵ تا ۱۸ و نیز مزمول آیه ۲۰) و تسبيح (طه آیه ۱۳۰ و سجده آیه ۱۵ تا ۱۶) و تلاوت قرآن (آل عمران آیه ۱۱۳) اموری است که انسان را به گونه ای از جهان آشنازی روز و پیرامونی بیرون می برد و این محسوس جزئی را به سطح کلی اولی و ثانوی بالا می کشاند. این گونه است که با تکرار واژگانی ذکر و تسبيح و استغفار نوعی تمرکزگرایی در انسان تقویت می شود و امکان آن فراهم می آید که از جزئیات و محسوسات به درون کلیات وارد شود.

### آثار و اهداف تهجد

خداآوند در قرآن برای تهجد، افزون بر اهداف پیش گفته امور چندی را ذکر می کند که از آن جمله می توان به حضور قلب اشاره کرد که مهم ترین و اصلی ترین هدف تهجد به شمار می رود زیرا بدون حضور قلب امکان ندارد فرد بتواند با کلیاتی که از امور سنگین است ارتباط برقرار کند و به درک و فهم هدف آفرینش نایل شود. بیداری در

شب و عبادت و تفکر و پرستش موجب می شود تا با زدودن اشتغالات دنیایی از دل، صفا و آرامشی در دل ایجاد شود که قلب را از پراکندگی و هرج و مرج باز دارد و این امکان فراهم آید در سطح بالاتر یعنی کلیات به اندیشه و تامل بپردازد.

تهجد شبانه به جهت ارتباط تنگاتنگ با جهان برتر و هستی مطلق موجب می شود که انسان در برابر جزئیات از درصد تحمل بالاتری برخوردار شود و مشکلات و تنگناهایی که در روز به جهت تضاد منافع و یا تضاد طبیعی عالم پدیدار می گردد، او را به واکنش های تند و شتاب آلود وادار نسازد، بلکه به جهت درک کلیاتی چون هر چیزی در عالم بر پایه علم خداوندی صورت می گیرد که جهان به این عظمت را مدیریت می کند و بر همه امور ریز و درشت آن قدرت و احاطه دارد، زمینه ای پدیدار می شود تا با آن مشکلات کنار آمده و در آرامش و اطمینان خاص و ویژه ای قرار گیرد. این گونه است که شناخت فراتری را به دست می آورد و می فهمد که هیچ چیز تر و خشک بیرون از علم و قدرت الهی نیست و هر چیز دوست داشتنی و یا ناپسند با علم و آگاهی او به وقوع می پیوند. کسی که حکیم است و برپایه حکمت اقدام می کند، هرگز بدون هدف و مقصد حکیمانه عمل نمی کند. بنابراین انسان با آرامش خاطر با مسائل و مشکلات روبه رو می شود و از تنگناها و سختی ها نمی هراسد و تشویش به دل راه نمی دهد. این گونه است که افزون بر اطمینان و آرامش به رضایت خاطری دست می یابد که مرتبه ای فراتر و برتر از اطمینان است؛ زیرا بر این باور است که عمل او یا آن آزمون و بلا و مصیبی که گرفتار آن شده همه خواسته خداوند و با رضایت او بوده است. چنین رضایت خاطری موجب می شود که به مقام رضا برسد که مقامی است که فرد از هر چیزی که خداوند بدان راضی و خشنود است، راضی و خشنود می گردد و هرچه را که خداوند از آن کراحت دارد، ناپسندش می دارد. قرآن درباره نقش تهجد شبانه و بیداری همراه با ذکر و اندیشه در کائنات این گونه می فرماید: بخشی از شب را به تسییح خداوند بپرداز... تا شاید راضی و خشنود گردد. (طه آیه ۱۳۰)

این گونه است که انسان در نزد خداوند عزیز می شود و ارزش وجودی اش افزایش می یابد؛ زیرا در این صورت است که حق را شناخته و به آن ایمان واقعی آورده و در راستای اهداف او عمل می کند و خود را با خدا و آفرینش هماهنگ می سازد. چنین انسانی به مقامی می رسد که نمی توان تفاوت وجودی اش را با دیگران نادیده

گرفت.(آل عمران آیه ۱۱۳ و نیز زمر آیه ۹) در این صورت می تواند به مقامی دست یابد که مقام شفاعت است و هر کس خواهان دست یابی به آن می باشد. مقامی که محمود و پسندیده است. (اسراء آیه ۷۹)